

کاریکاتور در ایران

از : م . محجوبی

تولد کاریکاتور در ایران همزمان است با تولد فکر آزادی ، جنبش مشروطیت و رسوخ تمدن اروپائی در ایران . علت نیز واضح است ، چون تا پیش از جنبش فکری مشروطیت ، استبداد مطلق مانع از آن بود که اندیشه هنرمندان ایرانی در خدمت به مردم و انتقاد از اوضاع بکارگرفته شود و کاریکاتور بچند جهت در ایران معمول نبود . نخست اینکه این هنر نخستین بار در اروپا متولد شد و چون هنرمندان ایرانی با اروپا تماس نداشتند ، از پیشرفتهای ملل اروپا در رشته‌های مختلف روزنامه‌نگاری - که کاریکاتور نیز از آنجمله است - بی‌خبر بودند . علت دوم این بود که کاریکاتور چون يك هنر بصری است برخلاف شعر و نثر که از راه گوش نقل مکان میکند و بكمك حافظه شایع میشود ، تنها از راه چشم قابل عرضه بود و بفرض آنکه نقاشی چیره‌دست کاریکاتوری میکشید ، چون انتشار آن باید با وسایل تکثیر تصویر انجام میگرفت و این وسائل در آن زمان هم محدود بود و هم مقامات دولتی کنترل شدید بر آن‌ها داشتند ، اثر فرضی کاریکاتور نیست بناچار منتشر نشده میماند و دستخوش زوال میشد و بفرض آنکه کسی آنرا میدید نمیتوانست برای دیگری تعریف کند زیرا کاریکاتور گفتنی نبود و تنها نشان دادن آن بود که اثر خود را میبخشید .

باین جهت ایجاد و انتشار کاریکاتور بستگی تمام به تعمیم فن چاپ و برداشتن سانسور فکری از اندیشه هنرمندان داشت .

ما از قرن‌ها پیش طنز را در نوشته با حد اعلای قدرت خویش داشته‌ایم و عبید زاکانی چهره بلامنازع طنز در ادبیات فارسی در آثار طنز و هجو خود کاریکاتورهای قوی و موثری از فساد دستگاه‌های حاکمه و روابط غلط اجتماعی در زمان خود ترسیم کرده‌است . شاید اگر تحریم نقاشی در اسلام از پیشرفت این هنر در ایران جلوگیری نمیکرد در زمان عبید هنرمندانی بوجود می‌آمدند که تصاویری بقدرت نوشته های عبید از خود بیادگار بگذارند .

بهرحال هنر کاریکاتور و شکلک‌سازی (*) در ایران از نخستین روز های ایجاد فکر مشروطیت ایجاد شده است .

اولین کاریکاتوری که در مطبوعات فارسی بچاپ رسیده کاریکاتور است از «حسین الموسوی» که در روزنامه ادب چاپ شده و مربوط بسال ۱۳۲۲ قمری (۱۹۰۵ میلادی و ۱۲۸۴ شمسی) می‌باشد .

البته شاید نتوان نام کاریکاتور بآن‌داد ولی بهر حال چیزی بود ابتدائی و هنر نقاش در آن بود که موفق بانتقال يك مضمون انتقادی بذهن خواننده شده بود . ولی باید تولد هنر کاریکاتور در ایران رامرهوروزنامه ملا نصرالدین قفقاز دانست . این روزنامه از سال ۱۳۲۴ قمری (۱۹۰۶ میلادی و ۱۲۸۵ شمسی) در تفلیس منتشر میشده و کاریکاتور های آن از عظیم‌زاده باکوئی است .

این کاریکاتور است چنان قریحه سرشار و قلم تند و سرکشی داشت که قوی ترین سوزهای انتقادی زمان را به شیواترین طرز تصویر میکرد و آثار او تأثیری بزرگ در بیداری مردم ایران و نهضت آزادی شرق داشته است و کاریکاتور است های ایرانی تا سالها پس از او میکوشیدند کاریکاتور هائی بقدرت آثار عظیم‌زاده بیافرینند . کاریکاتورهای ملا نصرالدین رامیتوان طلیمه کاریکاتور در شرق دانست ، زیرا پیش از این مجموعه چیزی که بتوان براستی نام کاریکاتور بر آن نهاد در نشریات ایرانی منتشر نشده بود و بجاست که عظیم‌زاده را پدر کاریکاتور شرق بنامیم .

پس از انتشار ملا نصرالدین ، کاریکاتور بعنوان جزء واجب الوجود مطبوعات و بالاخص مطبوعات فکاهی درآمد و مورد استقبال خوانندگان واقع شد . اما لازم بتذکر است که کاریکاتور های منتشر شده در مطبوعات فکاهی قبل از شهریور ۲۰ اکثر انتقادی بود و چاشنی سیاست را بندرت در خود داشت .

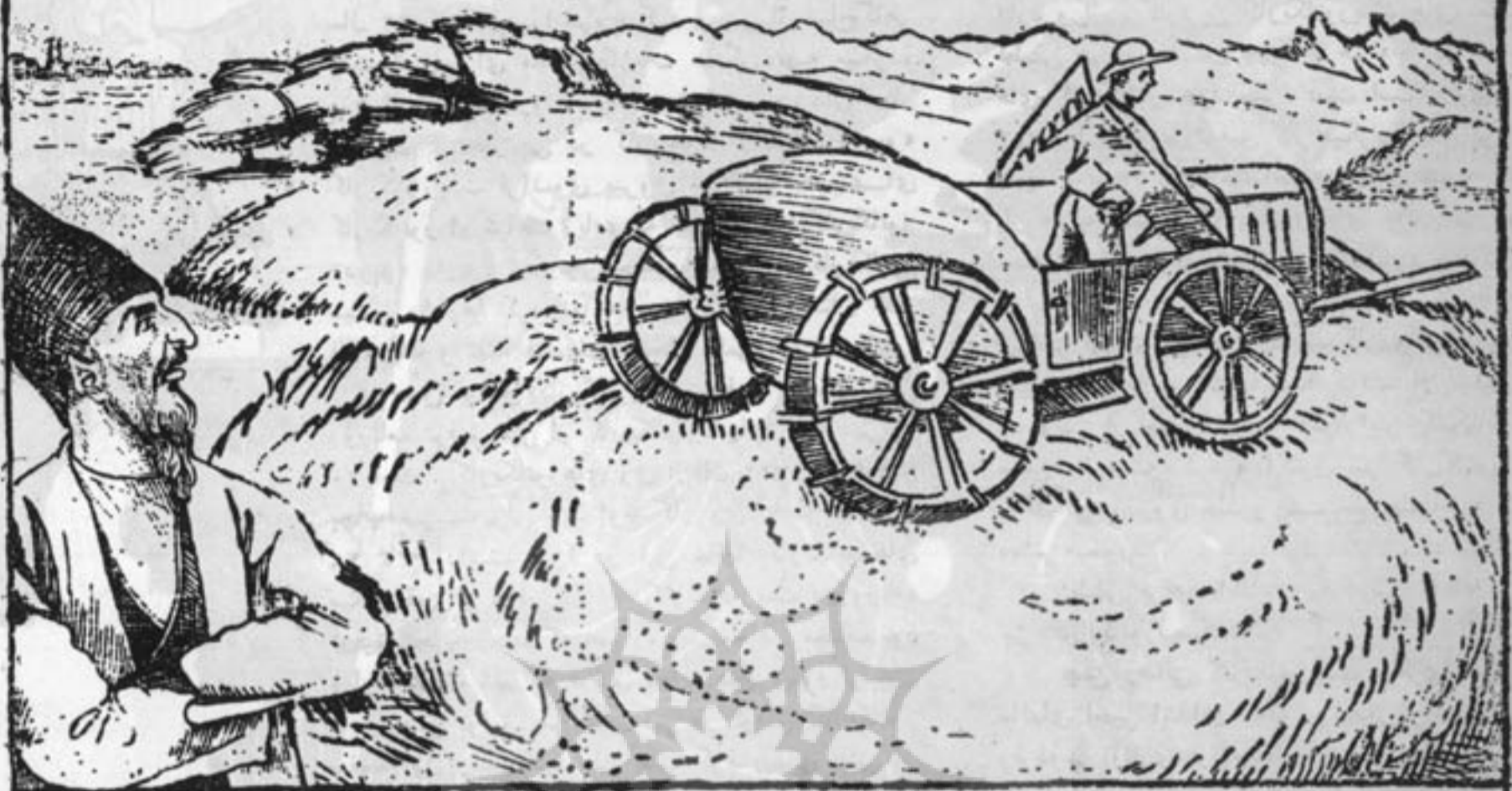
معروفترین کاریکاتور است دوران پیش از شهریور فردريك قالببرگ است که از سال ۱۳۰۸ کاریکاتور های بزرگ يك صفحه‌ای و دو صفحه‌ای در روزنامه های امید و قانون میکشید که بصورت چاپ سنگی در صفحات وسط روزنامه های مذکور با رنگ الوان بچاپ میرسید . جز او باید از بنائی وارژنگی نیز نام برد که در همین سالها در مطبوعات فکاهی بکشیدن کاریکاتور میپرداختند .

دوران شکفتگی هنر کاریکاتور در ایران از بعد از شهریور ۲۰ آغاز میشود . معروفترین کاریکاتور - است های ابتدای این دوره محمود سیاح و داوری بودند . سیاح از سال ۲۰ تا ۲۲ هر هفته يك صفحه کاریکاتور برای پشت جلد مجله اطلاعات هفتگی تهیه میکرد که هم از نظر سوز و هم از جهت طرح پخته و چشم‌گیر بود ، اما این کاریکاتور است در سال ۲۲ به آمریکا مسافرت کرد و دیگر نیز اثری از او در مطبوعات فارسی بچاپ نرسید .

داوری که روی جلد روزنامه های باباشمل و توفیق را میکشید نخستین کاریکاتور است ایرانی است که طراحی را بخوبی میداند و آثار اودارای فرم و سبك خاص خود اوست و لازم بتذکر است که این کاریکاتور است موفق کاریکاتور استهای بسیاری را بدنبال خود کشیده است که از آنجمله باید حسن توفیق را نامبرد که کار خود را در روزنامه توفیق شروع کرد

* نگارنده لغت «شکلک» را که يك لغت ترکیبی متداول در زبان فارسی است و تصور ذهنی شنونده از آن نیز چیزیست شبیه بکاریکاتور ، بجای لغت خارجی کاریکاتور پیشنهاد میکند .

ماشین خرمین کوچه دهدیتا!



ماشین خرمین کوچه مادر خیرت کرمان!!



یکی از کاربکاتوره‌های روزنامه فکاهی ناهید (۱۳۰۵)

و گاهی که داوری کاریکاتوری برای روی جلد نداشت وی بکشیدن کاریکاتور روی جلد توفیق میپرداخت. داوری برخلاف سیاح که این هنر ظریف را خیلی زود رها کرد، کار خود را سالهاست ادامه میدهد و در مدتی نزدیک به ۳۰ سال که از آغاز کار وی میگذرد سبک خود را کاملاً حفظ کرده است.

جعفر تجارتچی کاریکاتوریست دیگریست که از سال ۲۲ کار خود را شروع کرد و پس از سیاح گاهی پست‌جلدی برای مجله اطلاعات هفتگی تهیه میکرد و پس از آن در روزنامه های توفیق ویزدان بکار پرداخت. تجارتچی در کار خود از سبک «دوبو» کاریکاتوریست فرانسوی پیروی میکند و شخصیت‌های کاریکاتور او شباهت زیادی به شخصیت های کاریکاتور «دوبو» دارد. تجارتچی چند سالیست که کاریکاتور سیاسی را رها کرده و به مصور کردن داستان های فلکوریک و تهیه فیلمهای مضحک قلمی میپردازد.

حسن توفیق کاریکاتوریست توفیق و مدیر فعلی روزنامه توفیق نیز از کاریکاتوریست‌های بعد از شهریور ۲۰ است. کاریکاتورهای وی از سال ۱۳۲۲ در توفیق بچاپ میرسید ولی باید اوج کار وی را در سال‌های ۲۸ تا ۳۲ دانست زیرا در این سالها کاریکاتورهای سیاسی قوی و جالبی از این کاریکاتوریست در روزنامه توفیق بچاپ رسید که همواره نقل محافل مختلف بود و بارها باعث شد که توفیق بچاپ دوم و سوم برسد.

حسن توفیق هم‌اکنون نیز در توفیق کاریکاتور صفحه اول را میکشد ولی بعلمت گرفتاریهای ناشی از اداره توفیق کمتر کار میکند. وی قلمی نرم و شیرین دارد و سبک‌های او اغلب ایرانی است.

دولو کاریکاتوریست موفق بعد از شهریور است. وی مهارت خاصی در ساختن پرتره مشاهیر دارد و کاریکاتورهای جالبی که از چهره رجال کشیده است همیشه مورد تقلید کاریکاتوریست‌های دیگر بوده است. وی در سال‌های اخیر در مسابقه کاریکاتوری که در شهر مونترال کانادا ترتیب داده شده بود شرکت کرد و کاریکاتوری که از چهره خروشچ کشیده بود برنده جایزه دوم شد. دولو تنها کاریکاتوریست ایران است که سایه روشن کار میکند و وقت بیشتری بر روی آثار خود صرف میکند. دولو دیدی قوی دارد در شناختن و نمایش دادن نقاط برجسته صورت.

جز کاریکاتوریست‌هایی که تاکنون نام بردیم، بین سال‌های ۳۲-۱۳۲۰ کاریکاتوریست‌های دیگری نیز در مطبوعات کار میکردند که معروفترین آنها احمدی و بهرامی و کلانتری (کاریکاتوریست‌های روزنامه چلنگر) و جمشید وحیدی (توفیق و حاجی بابا) هستند. در این میان جمشید وحیدی با آنکه کمتر کار میکرد چهره‌های جالبی از مشاهیر میساخت که در دوره خود مورد استقبال مردم قرار میگرفت و گاه کاریکاتوریست‌های معروف از آثار او استفاده میکردند.

بعد از سال ۳۲ تا سال ۳۷ که تجدید انتشار توفیق صورت گرفت کاریکاتوریست‌های قدیم و جدید در مطبوعات جدی کار میکردند ولی پس از انتشار توفیق اغلب آنان باین روزنامه رو آوردند.

لطیفی یکی از موفق‌ترین کاریکاتوریست‌های این دوره است. وی پیش از آنکه بتوفیق برود در مجلات فردوسی و نقش جهان کار میکرد ولی در سال ۱۳۳۷ به روزنامه توفیق رفت و در این روزنامه بود که کاریکاتورهای جالب او در پشت جلد توفیق ومدتی نیز در روی جلد این جریده بچاپ میرسید و مورد استقبال مردم قرار میگرفت. وی قلمی شیرین و نرم دارد و از پرکارترین کاریکاتوریست‌های معاصر است. لطیفی هم در کشیدن چهره و هم «حرکت» شخصیت‌های کاریکاتور خود چیره دست است. وی در سال ۱۳۴۲ با آنکه در توفیق کار میکرد و طی قرار دادی متمهد بود ۲۵ سال اختصاصاً برای آن نشریه کار کند باز هم به کشیدن کاریکاتورهای جالبی در روی جلد مجله فردوسی پرداخت و بامضای «آلدو» چند کاریکاتور جالب برای آن نشریه کشید. وی در سال ۱۳۴۳ پس از اختلافی که گروهی از نویسندگان و کاریکاتوریست‌های توفیق با آن نشریه پیدا کردند از توفیق خارج شد و پس از چندی با سایر همکارانش کشکیات تهران مصور را منتشر کرد و اکنون نیز کاریکاتورهای جالب او در روی جلد و پشت جلد ماهنامه کشکیات بچشم میخورد.

لطیفی برای بامشاد و فردوسی ماهانه و نگین نیز کاریکاتور میکشد.

بهمن رضائی کاریکاتوریست دیگری است که در سال‌های اخیر ابتداء در مجله روشنفکر و سپس در توفیق و فردوسی آثاری از او بچاپ رسیده است و اکنون نیز از کاریکاتوریست‌های کشکیات است. قلم رضائی دارای سبک و گردش خاصی است که کاریکاتورهای او را در میان آثار سایر همکارانش مشخص میکند. وی نیز مدتی پشت جلد روزنامه توفیق را میکشید.

اردشیر محمص در ابتدای کار خود تحت تاثیر «دوبو» بود، اما پس از مدتی کم‌کم اثر «دوبو» در کارهای وی محو شد. ولی چون علاقه خاصی به کاریکاتوریست‌های فرانسوی دارد. در کارهای اخیرش تاثیر هائی از «بوسک» و «شاوال» بچشم میخورد. محمص از جمله کاریکاتوریست‌هایی است که به اقبال مردم طبقات پائین و حتی طبقات متوسط اجتماع توجهی ندارد و بیش از آنکه بفکر بیننده باشد در اندیشه خویش است. محمص کمتر بکشیدن کاریکاتورهای شرح‌دار میپردازد. کارهای وی بیشتر توصیفی است و نقاط ضعف مردم را بخوبی مینماید و باطنز خاص خود نشان میدهد. محمص سال گذشته نمایشگاهی از کارهای خود ترتیب داده بود که موفقیت بسیاری کسب کرد. وی مدت کمی در توفیق کار کرد و سپس در مجلات فردوسی، نگین، کتاب هفته، تلاش و روزنامه کیهان بکار پرداخت.

درم‌بخش کاریکاتوریست فعلی توفیق قبلاً در مجله روشنفکر کار میکرد. وی کاریکاتور را از تجارتچی فرا گرفته بود و بهمین جهت تحت تاثیر او و بالنتیجه تحت تاثیر «دوبو» بود. درم‌بخش چندسال پیش به اروپا رفت و در آنجا بکار در مطبوعات آلمانی پرداخت و کاریکاتورهای زیادی از او در مجلات



یکی از کارهای حسن توفیق (نقل از ماهنامه توفیق، فروردین ۱۳۳۱)

بسیار جالبتر از کارهای ایرانی اوست و موفقیت
درمبختش را بیشتر باید در کاریکاتورهای ساده و
بدون شرح او که با کمال اختصار کشیده میشود
جستجو کرد.

معروف آلمانی بچاپ رسید. وی پس از بازگشت به
ایران باز هم به مجله روشنفکر رفت ولی پس از مدتی
از این مجله خارج شد و بتوفیق پیوست. کارهای او
اکنون در داخل و پشت جلد توفیق بچاپ میرسد.
کارهای اروپائی درمبختش با آنکه اصالت ندارد،

سقاورز نیز از کاریکاتورست های تند دست معاصر است . وی در طراحی قدرت زیاد دارد و کارهایش کمتر تحت تاثیر کاریکاتورست های ایرانی یا خارجی است . سقاورز یکی دو سال در توفیق کار میکرد ولی اکنون چند سالیست که اختصاصا در موزه اطلاعات کار میکند .

هوشنگ ملك نیا - تنها کاریکاتورست معاصر است که برخلاف سایر هنرمندان این رشته که کاریکاتور را در پیش خود و یا نزد کاریکاتورستهای دیگر ایرانی فرا گرفته اند ، چندسالی در اطریش بوده است و پس از آنکه دوره گرافیک را گذرانده مدتی نیز به کشیدن کاریکاتور پرداخته است . کاریکاتورهای ملك نیا با آنکه نرمش زیادی ندارد مع الوصف ظرافت و استحکامی دارد که کمتر در آثار کاریکاتورستهای ایرانی دیده میشود .

ایرج یکه زارع - کاریکاتورست توفیق ، چند سالی پیش نیست که این کار را آغاز کرده است . ولی پیشرفت فوق العاده ای داشته و از تند دست ترین کاریکاتورستهای معاصر است . زارع اکنون علاوه بر توفیق در اطلاعات روزانه نیز با امضای «فراز» کار میکند و سبلی بنام علیرادخان دارد که شبهای جمعه

در اطلاعات بصورت کارتون چند صحنه ای عرضه میکند . جزاین عده اکنون کاریکاتورستهای دیگری نیز در مطبوعات کار میکنند که از آنجمله اند رحیم خانی ، طوافزاده ، پالکشیر و هاگوپیان (خیال) که کارشان بقدرت کار کاریکاتورستهای ذکر شده در بالانست . رویهمرفته اکنون کاریکاتور در ایران راهی رو به کمال می پیماید و آینده ای درخشان خواهد داشت ، زیرا همه مطبوعات امروز ایران احساس میکنند که به کاریکاتور احتیاج دارند و بهمین جهت هر روز چهره های جواتتری پیدا میشوند تا این احتیاج را برطرف کنند .

بجاست دانشگاه تهران نیز در این راه قدمی بردارد و در دانشکده هنرهای زیبا رشته ای بنام کاریکاتور بنیاد نهاد تا کاریکاتورستهای آینده مجبور نباشند سالها بدون در دست داشتن فرمول و راهنما به قلمزنی بپردازند و برای فراگرفتن این هنر تازه و مورد نیاز نیمی از عمر خود را بکسب تجربه صرف کنند . بویژه که در کشور همسایه ترکیه نیز چنین رشته ای وجود دارد . در خاتمه باید یاد آور شد نمونه هایی که از کار کاریکاتورستها همراه با این مقاله انتخاب و چاپ شده است روی نظر خاصی نبوده و اینکار تنها بر حسب تصادف و دسترسی به آنها صورت گرفته است .



(عراسم شرقربانی در طهران) نقل از روزنامه امید (۲۰ اردیبهشت ۱۳۰۹)



یکی از کارهای رضائی (نقل از ماهنامه کشکیات - شهریور ۱۳۴۶)



یکی از کارهای درمبخش (نقل از توفیق هفتگی - ۳۱ مرداد ۱۳۴۶)

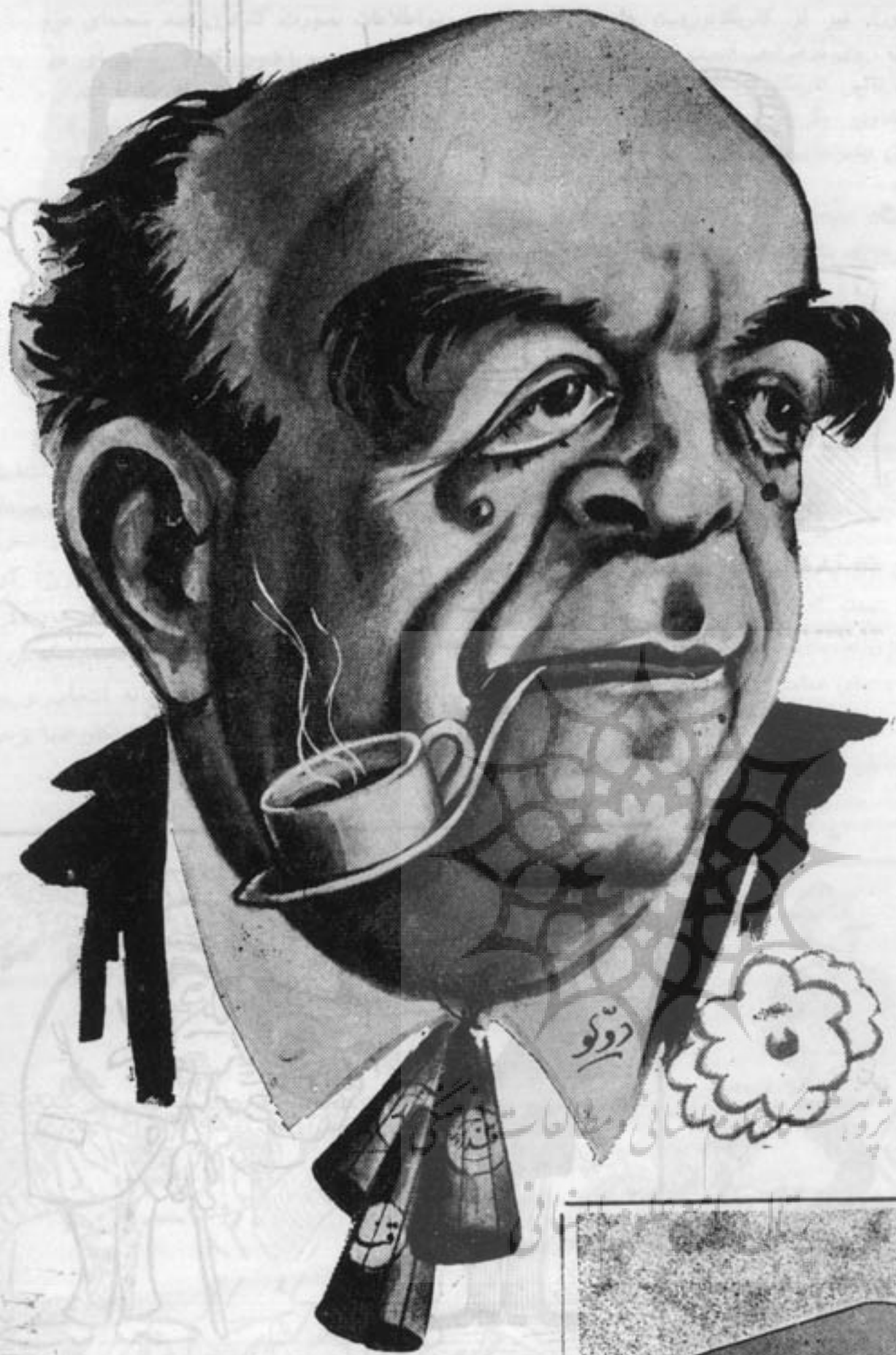


بدون تفسیر!

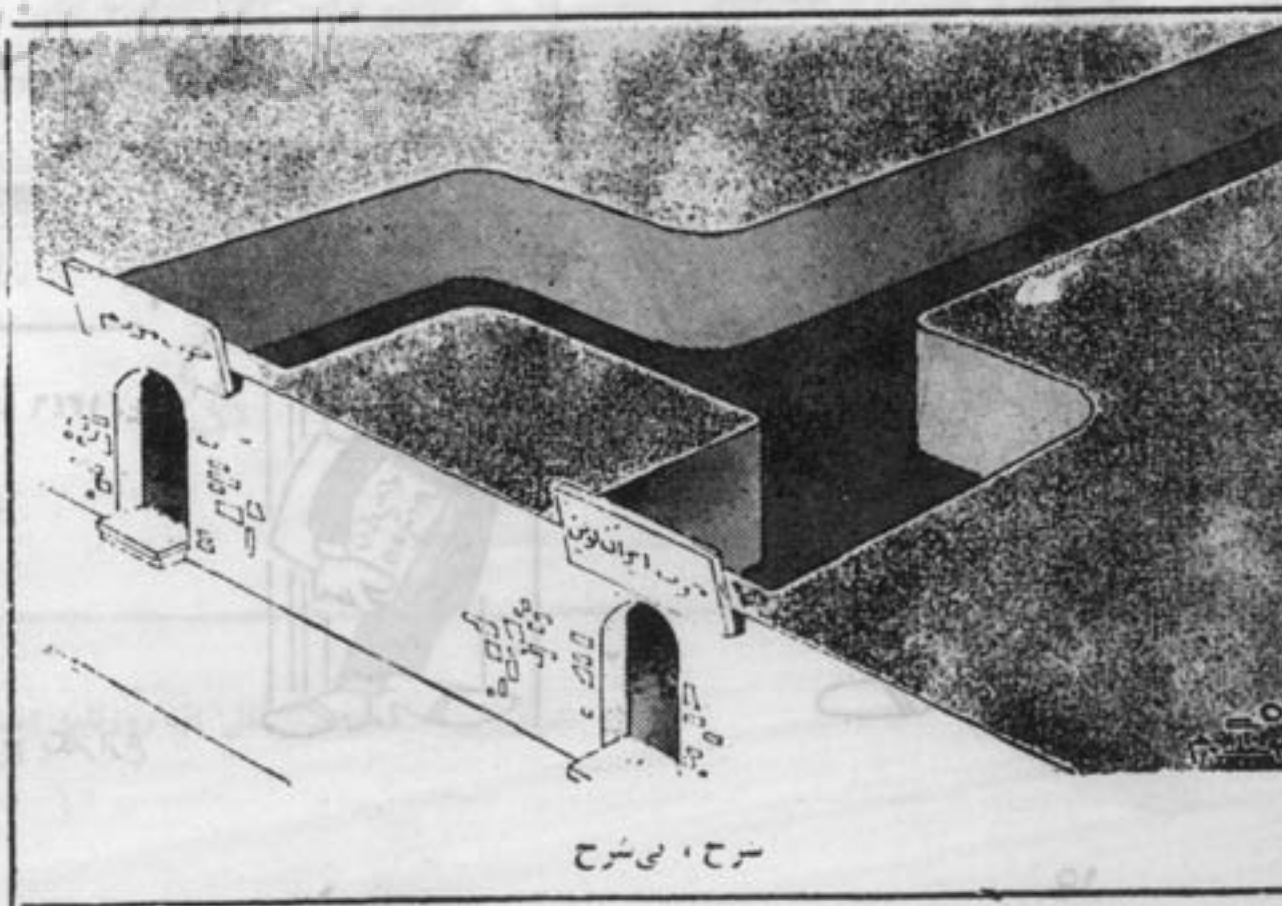
یکی از کارهای لطیفی (نقل از ماهنامه کشکیات - اردیبهشت ۱۳۴۶)



از : ایرج یکهزارع



«امیرعباس هویدا» کار دولو



سورج ، سورج

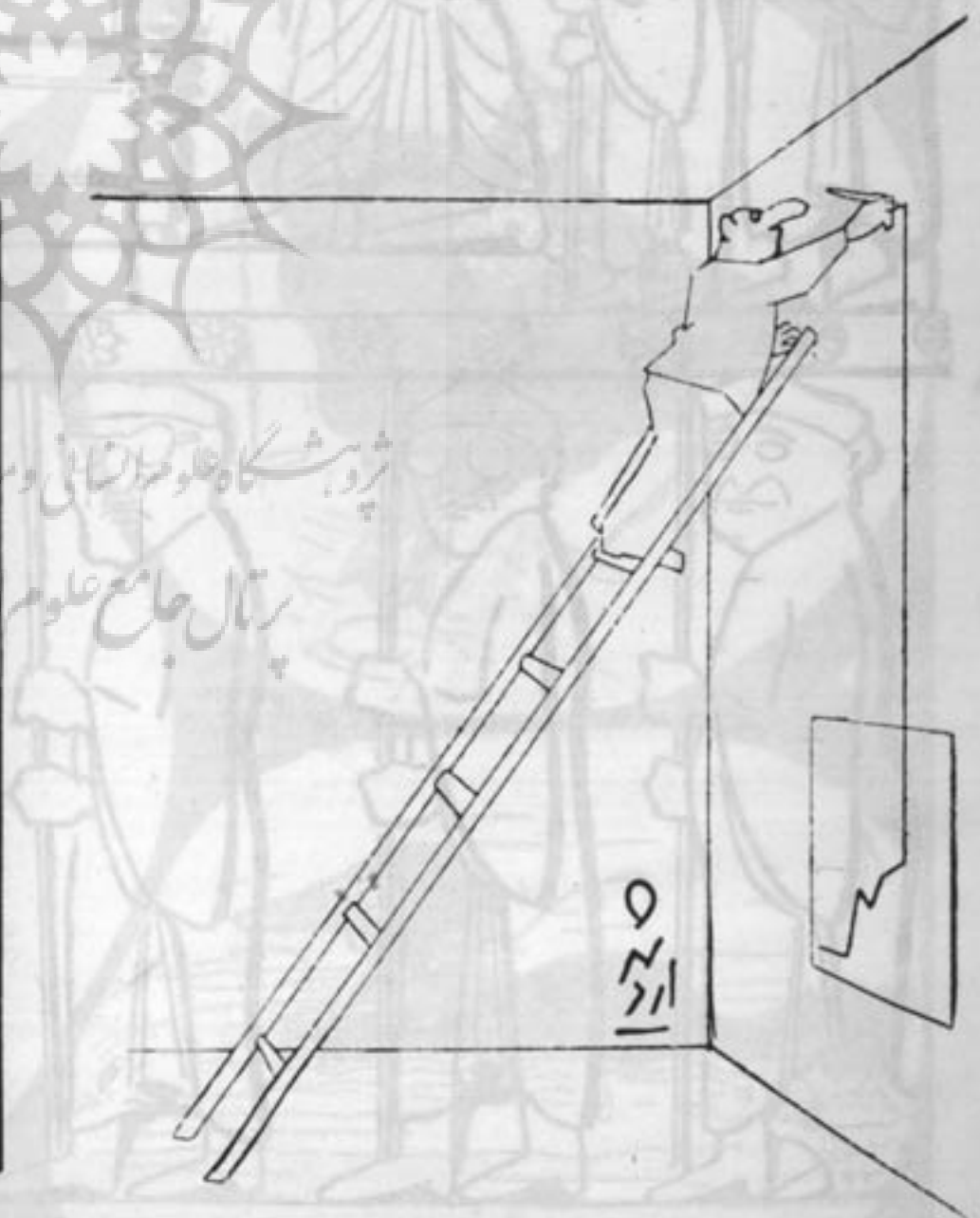
یکی از کارهای هوشنگ ملک‌نیا (نقل از ماهنامه کشکیات -
خرداد ۱۳۴۶)



« مشاهدات يك توريست در ايران » از تجارتي (نقل از مجله تهران جورنال - ۱۹۵۹ ميلادی)



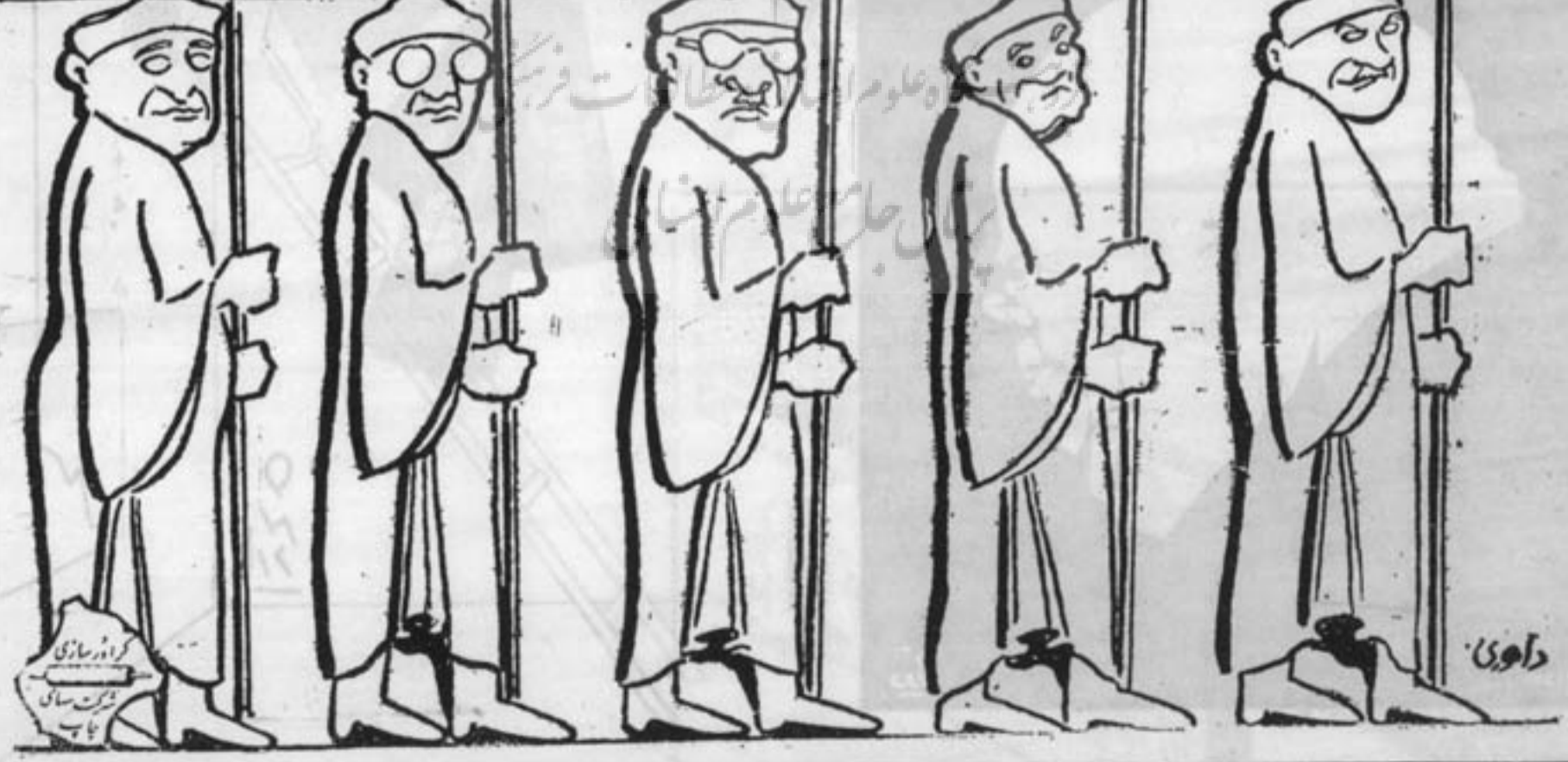
«خروشچف» کار دولو (برنده جايزه دوم نمايشگاه
کارينكاتور مونترال)



یکی از کارهای محمص

مجلسیات مسدود، بزرگ، منتشر، مستشاران، مستشار ممالک،
 مالك الرقاب ملت ايران ميگويد: اين کشور باين روزاندر اخته شد چنانکه من
 فرموده بودم و چنين خواهد ماند چنانکه اراده من است. من
 اهورا لمب و شت فرگش مرالکک نمايند و آئين ناميهاي مرا نکه داري فرما
 از کتيبه هاي تخت ميليسپاک در نزدیکی تهران قدا

از قرن بیستم میلادی



یکی از کارهای داوری (نقل از هفته نامه فکاهی باباشمل - ۲۵ خرداد ۱۳۲۳)

قبوچی هفتبهار
 بانوان ایران
 آنچه از این قبیل که بخون دل از زمان ریزده جهان امروزه خستید این
 رتیب با خود هم ممکن است انجام داد!



یکی از کارهای سیاح (نقل از مجله اطلاعات هفتگوه سال ۱۳۲۲)

چند نمونه از کار کاریکاتور رست‌های معروف جهان
در نمایشگاه کاریکاتور مونترال



«عشق‌بازی در مصر» از: پال هرمن رابینسن (آفریقای جنوبی)



کار «اس.بی. فمادنیس» (هندوستان)



«شهرت در کوه‌نوردی» از: ت. تنک (فرمز)



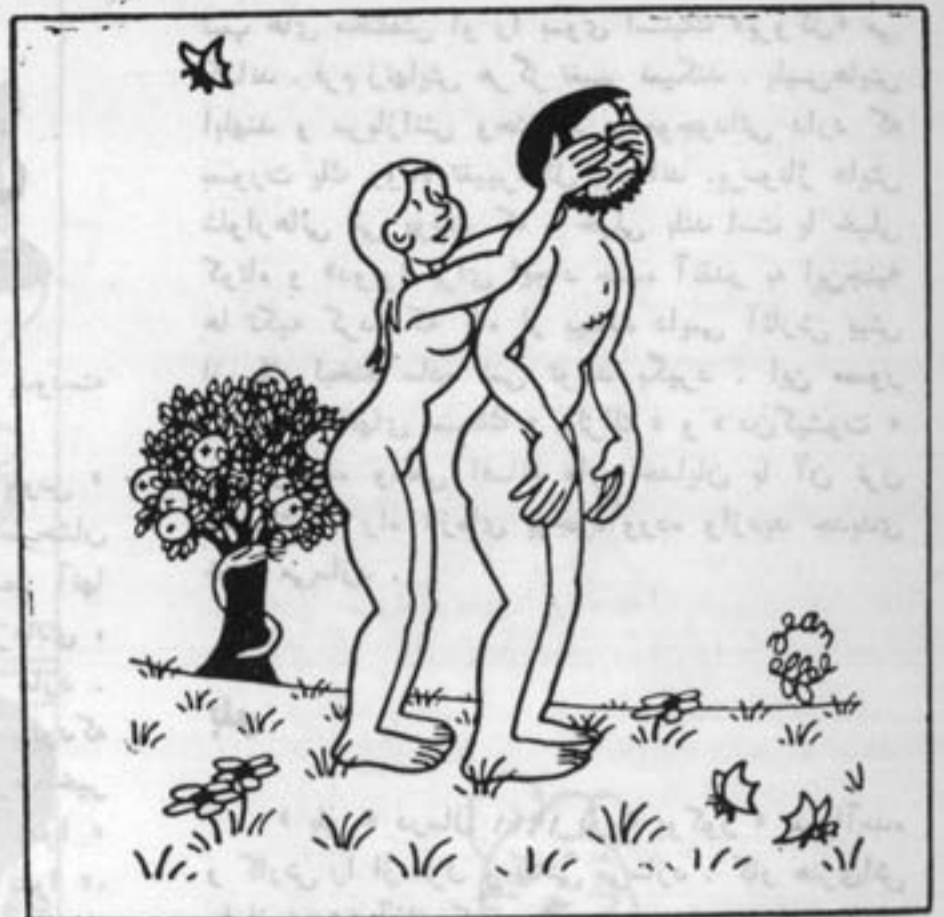
«اروپا صحبت میکند» از: مارتین لام (سوئد) برنده جایزه اول نمایشگاه



«۱۳۰ خراسب و یک‌خر» از: اسن گروسو (بلغارستان)



بدون شرح - از : ژاک گابیه (کانادا)



«آه گفتم کیه؟» تصویری از آدم و حوا کار ژان افل (فرانسه)



بدون شرح - از : ریووک فاسو (ژاپن)



«بدون شرح» - از : یورداگون گوکر (ترکیه)



از : کاسپر (دانمارک)